

پیشگامان ادبی
تاریخ نشر

● تاریخ نشر کتاب در ایران / عبدالحسین آذرنگ

از تحولاتی که در عصر ناصری در زمینه نشر آثار ترجمه‌ای و تألیفی رخ داد، پیش‌تر یاد شد. پیدایش قشر تازه‌ای از کتابخوانان در طبقه متوسط و رشد تدریجی آن، رویداد دیگری بود که بر سیر نشر در ایران تأثیر گذاشت. سیاست‌های دولتی در زمینه ورود فن‌آوری‌های جدید از غرب و مدرن‌سازی نظامات دولتی در وهله نخست، و فعالیت‌ها و بخش‌های دیگری از کشور، لاجرم بر چاپ و نشر تأثیرگذار بود. تحقق این سیاست در عین حال به قشری اجتماعی وابستگی داشت که با دانش و تخصص‌های جدید آشنا شده بود و ضرورت اجرای آن سیاست‌ها ایجاب می‌کرد که بر شمار آنها افزون شود. این قشر که شماری از اعضای آن از طبقات مختلف اجتماعی برخاسته بودند، در طبقه متوسط محدود در حال شکل گرفتن بود. تعارض میان دو رویکرد متفاوت به پذیرش مدرنیته و پاسخ مناسب به آن، یا واکنش متناسب در برابر آن، یکی رویکرد حکومتی، آن هم حکومتی خودکامه که به لازمه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ورود مدرنیته توجه نمی‌کرد، یا نمی‌خواست توجه کند، و دیگری رویکرد قشر نواندیشی که سیاست‌های خودکامه حکومت ناصری و قاجاری، آنها را به سمت دگراندیشی‌های تندرانه‌تر سوق می‌داد، در بسیاری از زمینه‌ها و فعالیت‌ها، و از جمله در نشر آثار ترجمه‌ای و تألیفی، گاه حتی به گونه نمایان‌تری به چشم می‌خورد. این تعارض، که گاه به تقابل‌های تنیدی

انجامید، در دو جریان جدا از هم نشر دولتی و نشر غیردولتی (یا نشر آزاد و دگراندیشانه) جلوه‌های متفاوتی دارد و در بحث‌های آینده به آنها اشاره خواهیم کرد. هر دو نشر از فن‌آوری چاپ به عنوان تنها محمل و بهترین محمل خود استفاده می‌کردند، البته با کیفیت‌هایی متفاوت. زمانی که جنبش‌های مشروطه‌خواهی و ضد خودکامگی گسترش یافت و نیاز به اطلاع‌رسانی در مقیاس‌های گسترده‌تر و محلی و ملی، به شیوه‌های تکثیر ساده‌تر، عملی‌تر و ارزان‌تری محتاج شد، فن‌آوری‌های چاپ بیش از پیش مورد توجه دگراندیشان قرار گرفت. از این رو، آثاری در زمینه تاریخ چاپ و مطبوعات، که سیر چاپ در ایران را به سان سیری یگانه و یکپارچه، و بدون توجه به تفاوت‌های محتوا و رویکرد و مخاطب و کاربرد آثار در نظر می‌گیرند، طبیعتاً جنبه‌هایی از واقعیت را هم از دست می‌دهند. دو جریان عمده در نشر عصر ناصری، در دو سو، جدا از هم، و گاه رو در روی هم حرکت می‌کرد. اگر رویارویی در سطح اجتماعی نبود، آن شکاف‌ها در جامعه قاجاری پدید نمی‌آمد، جنبش عدالت‌خواهی و ضد خودکامگی آغاز نمی‌شد و سرانجام با پیروزی انقلاب مشروطه و پی‌آمدهایش، به زوال و سقوط قاجارها نمی‌انجامید. عامل‌های مؤثر دیگر به جای خود، رویدادها با تعارض و تقابلی درون جامعه شکل می‌گرفت که نشر با محمل‌های تکثیر و توزیعش، منابع تغذیه‌اندیشه، تحلیل و طرز عمل آنها را تأمین کرد. پیش از پرداختن به اینها، اشاره به جنبه‌های دیگری از تحول نشر در عصر ناصری لازم است. نخست به نهاد دولتی تأثیرگذاری بپردازیم که پی‌آمدهایی چندگانه داشت.

نهادی ویژه ترجمه، تألیف و نشر در عصر ناصری

در عصر ناصری، نهادی برای تألیف، ترجمه و نشر آثار شکل گرفت که به تدریج وظایف دیگری هم به عهده آن گذاشته شد. سیاست دولتی را در زمینه انتخاب آثار و مضمون‌هایی را برای انتشار، در کارنامه این نهاد می‌توان به گونه‌ای آشکار دید. در ۱۲۸۷ ق، بیست و چند سال پس از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، تشکیلات پراکنده یا به ظاهر پراکنده‌ای، زیر نظر محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، از افراد مورد اطمینان شاه، قرار گرفت. این تشکیلات در مدت نسبتاً کوتاهی، حدود سه سال، گسترش یافت و در ۱۳۰۰ ق وزارت انطباعات نام گرفت و تا ۱۳۱۳ ق که ناصرالدین شاه کشته شد، بسیار فعال بود. اعتمادالسلطنه در ۱۲۸۷ ق مسئولیت اداره‌ای به نام اداره روزنامه‌جات دولتی را به عهده داشت. یک سال پس از آن، مدیریت دارالترجمه خاصه دولتی هم به او سپرده



● محمد حسین فروغی (پدر محمد علی فروغی)

شد که وظیفه آن ترجمه بود. پس از ادغام این ادارات در تشکیلاتی واحد، چهار اداره (= دایره؛ شعبه) در وزارت انطباعات تأسیس شد: (۱) دارالترجمه مبارکه دولتی که با نام دارالترجمه خاصه همایونی هم از آن یاد شده است (با وظیفه ترجمه)؛ (۲) اداره روزنامجات (اداره مطبوعات)؛ (۳) دارالطباعة دولتی (چاپخانه دولتی)؛ و (۴) مجلس تألیف نامه دانشوران ناصری (مرکزی برای تدوین اثری دانشنامه‌ای با نام نامه دانشوران، اثری دانشنامه‌وار درباره زندگی نامه بزرگان اسلام که چندین جلد آن منتشر و سپس بر اثر توقف وزارت انطباعات، ادامه انتشار آن متوقف شد).^۱

دارالترجمه نخست زیر نظر خود اعتمادالسلطنه و سپس محمد حسین فروغی (فروغی اول، پدر محمد علی فروغی) فعالیت می‌کرد. در این اداره شماری مترجم فرنگی و ایرانی کار می‌کردند. پس از تأسیس مدرسه دارالفنون و گذشتن چند سالی از فعالیت آن، شماری محصل زبان دان، تربیت شده و به جرگه مترجمان پیوسته بودند. وظیفه دارالترجمه، ترجمه کردن کتاب، مقاله و گاه نیز مطالب دیگری از برخی زبان‌های

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن، چهل سال تاریخ ایران (المآثر و الآثار)، به کوشش ایرج افشار (تهران، ۱۳۶۳ - ۱۳۶۸ ش)، ج ۱، ص ۳۰۹ - ۴۱۰، افشار، ایرج، «آغاز ترجمه کتاب‌های فرنگی به فارسی»، ایران‌شناسی، سال ۱۴، ش ۱ (بهار ۱۳۸۱)، ص ۹۱ - ۹۳.

اروپایی، ترکی عثمانی، عربی و هندی بود که با نظر اعتماد السلطنه انتخاب می‌شد. او با توجه به علاقه‌های مطالعاتی شاه، رأس حکومت، منتقدان دربار و مصالح سیاسی، که به مناسبت اوضاع و احوال و شناخت گسترده‌اش از روابط تشخیص می‌داد، مطالب را برای ترجمه برمی‌گزید. شماری از این ترجمه‌ها به صورت کتاب منتشر شد که فهرست آنها در کتاب اعتماد السلطنه آمده است.^۱ مقاله‌های ترجمه شده بسیاری در جراید / مطبوعات دولتی چاپ می‌شد، و تعداد نسبتاً زیادی از ترجمه‌ها احتمالاً پس از استفاده لازم یا بدون استفاده، چاپ نشد و به صورت نسخه خطی باقی ماند.^۲ بنا به صورتی که خود اعتماد السلطنه از مترجمان دارالترجمه آورده است، و منابع دیگر کراراً و به شکل‌های مختلف و گاه با حذف و تغییر از آن نقل کرده‌اند، مترجمان و زبان ترجمه آنان از این قرار بوده‌اند:

نام مترجم	زبان ترجمه
۱ میرزا رضاخان (معروف به مسیوریشارخان)	فرانسوی؛ انگلیسی و چند زبان دیگر
۲ پروسکی خان	فرانسوی
۳ میرزا مادروس خان	فرانسوی؛ روسی
۴ مسیو اوانس خان	فرانسوی؛ انگلیسی
۵ میرزا آبکار	روسی
۶ میرزا غیاث اذیب کاشانی	عربی
۷ میرزا علی خان (مترجم الممالک)	زبان ذکر نشده
۸ عارف خان	ترکی عثمانی
۹ آقا سید حسین شیروزی	هندی
۱۰ میرزا عبدالرسول	ترکی عثمانی
۱۱ میرزا احمدخان قفقازی	روسی
۱۲ میرزا سید عبدالله	روسی

۱. اعتماد السلطنه، همان.

۲. صورتی از این گونه آثار خطی را می‌توان در این منبع دید:

انوار، سید عبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران (تهران، ۱۳۶۵ ش ۴)، به‌ویژه در مجلدات نخستین

این فهرست.



اعتماد السلطنه

از این مترجمان، میرزا غیاث ادیب کاشانی و عارف‌خان، منشی (به اصطلاح امروز: ویراستار) دارالترجمه هم بودند و ظاهراً سه منشی (ویراستار) دیگر نیز با دارالترجمه همکاری داشته‌اند: آقا میرزا محمد؛ میرزا هدایت‌الله؛ میرزا عبدالحسین.^۱

اعتماد السلطنه در ۱۳۱۰ ق، سه سال پیش از کشته شدن ناصرالدین شاه و نیز پایان عمر خودش، در گزارشی که به شاه داده، مدعی شده است که دارالترجمه طی یک دهه فعالیت، بیش از ۱۰۰۰ (هزار) عنوان کتاب و کتابچه تحویل داده است.^۲ او در جای دیگری مدعی شده است که همه جراید از همه نقاط دنیا به اداره روزنامه‌جات در وزارت انطباعات می‌رسید، و مطالبی از میان آنها از زبان‌های فرانسوی، روسی، انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی، ترکی عثمانی، هندی، عربی و چند زبان دیگر به فارسی ترجمه می‌شد. نیز می‌گوید که همه کتاب‌های ترجمه شده را نزد شاه می‌برد و او کتاب‌های دلخواه خود را برمی‌گزید و می‌خواند. ناصرالدین شاه به کتاب‌های تاریخی و خاطرات و سفرنامه‌ها علاقه داشت؛ موضوع‌های دیگری هم می‌خواند. کتاب‌های پسند شاه را

۱. اعتماد السلطنه، همان، ج ۱، ص ۴۰۹.

۲. اعتماد السلطنه، محمد حسن، روزنامه خاطرات (تهران، ۱۳۴۵ ش)، ص ۹۶۳.

معمولاً خوشنویسی، تجلید و گاه تذهیب می‌کردند^۱ و کتاب‌هایی از این دست که به زمان ما رسیده است، از آثار نفیس خطی عصر قاجار به شمار می‌آید.

ناصرالدین شاه گاه مترجمان دارالترجمه را به حضور می‌پذیرفت و با آنها صحبت می‌کرد. در گفت‌وگو با مترجمان، و حتی با شاگردانی که دوره ترجمه را می‌گذراندند، از ترویج زبان‌های خارجی حمایت کرد. در سیاستی که شاه به زعم خود برای مدرن کردن کشور و موافق با سلیقه خود و سیاست‌های دولتی در پیش گرفته بود، ترجمه را رکنی از این سیاست می‌دید.^۲ خود اعتمادالسلطنه هم زبان فرانسوی می‌دانست، برای شاه روزنامه‌های فرانسوی را می‌خواند و ترجمه می‌کرد و نام او به عنوان مترجم، روی پیش از بیست کتاب و شمار فراوانی رساله و مقاله آمده است؛ اگرچه از سهم حقیقی او در این آثار اطلاع موثقی فعلاً نداریم. ترجمه حکایت طیب اجباری، اثر مولیر منسوب به اوست. به هر تقدیر چه این آثار را خود اعتمادالسلطنه ترجمه کرده باشد، چه او در ترجمه‌هایی دست برده و آنها را به نام خود کرده باشد و چه فقط نام او را بر آثار ترجمه شده‌ای ثبت کرده باشند، اعتمادالسلطنه در ترجمه دولتی و سیاست‌های دولتی در زمینه ترجمه در عصر ناصری سهم تعیین‌کننده‌ای داشته است^۳ و حاصل کار، بازنمای سیاست دولتی عصر ناصری در توجه به آن بخشی از مدرنیته بود که با طبایع شاه و زمامداران حکومت تعارضی نداشت.

وزارت انطباعات، ناشر شماری اثر در زمینه تاریخ و ادب است که نشر آنها نشان می‌دهد منشیان (ویراستاران) مسلط به زبان و ادب فارسی در پیراستن آنها همکاری گسترده داشته‌اند. از این نهاد دستورالعملی باقی است با عنوان «اصول تنقیط یا رموز متداوله در محوَرَات» [اصول نقطه‌گذاری یا نشانه‌های متداول در نوشته‌ها]. از این دستورالعمل قدیم‌تر، نوشته‌ای تاکنون درباره قواعد نقطه‌گذاری در زبان فارسی ظاهراً به دست نیامده یا تدوین نشده است. این دستورالعمل که در مقایسه با مجموعه قواعد نقطه‌گذاری رایج در زمان ما، نوشته‌ای جامع، دقیق، و منسجم به شمار می‌آید، شاید نخستین راه‌نمای ویرایش‌صوری در زبان فارسی باشد. ممکن است منشیان (ویراستاران) وزارت انطباعات زیر نظر مسئولان خود آن را تدوین کرده باشند.^۴ هر چه

۱. افشار، ایرج، «آغاز ترجمه کتاب‌های فرنگی به فارسی»، ص ۹۳.

۲. روزنامه ایران، ش ۸۸ (صفر ۱۲۸۹)، ص ۱.

۳. برای اطلاعات تفصیلی‌تر درباره اعتمادالسلطنه، به ویژه در این زمینه‌ها، نک: قاسمی، سید فرید، مشاهیر مطبوعات ایران: اعتمادالسلطنه (تهران، ۱۳۷۹ ش).

۴. برای متن کامل این اصول، نک: قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات در ایران (تهران، ۱۳۷۹ ش)، ج ۱، ص



● عبدالحسین آذرنگ (عکس از علی دهباشی)

هست، این نوشته راه‌نما، از آشنایی و آگاهی آن نهاد در زمینه ویرایش صوری خبر می‌دهد. اعتمادالسلطنه در زمینه‌های دیگر فعالیت وزارت انطباعات سعی به گسترش داشت. در جایی گفته است که بیش از ۴،۰۰۰ جلد کتاب به زبان‌های مختلف از بازارهای کتاب فرنگ، مصر، قسطنطنیه و هند برای وزارت انطباعات خریده است.^۱ به لحاظ آزادی‌هایی که در آن زمان هم در هند وجود داشت، کتاب‌هایی در آن شبه‌قاره به زبان فارسی منتشر می‌شد و به نواحی فارسی زبان، از جمله ایران، می‌آمد. بعضی از این کتاب‌ها به مذاق حکومت خودکامه خوش نمی‌آمد و اعتمادالسلطنه که نبض حکومت را در دست داشت، از طریق ادارات تابع وزارت انطباعات، دست به مقابله می‌زد. با این حال، سیر رویدادها و رشد و گسترش اندیشه‌های جدید، در زمینه‌های بسیاری در جهت موافق با نظر حکومت نبود. به همین دلیل در دوره مدیریت اعتمادالسلطنه، نخستین گام در راه سانسور رسمی دولتی برداشته شد و نظارت نابه‌جای دولتی بر نشر محتوای کتاب‌ها و مطبوعات آغاز گردید. در اداره روزنامه‌جات، نظارت جدیدی برقرار گردید و چند سال بعد، که در ادامه مقاله به آن اشاره خواهد شد، رئیس پلیس کتابچه‌ای تدوین کرد که نخستین متن مدون نظارت بر آثار چاپی و انتشاراتی و ابزار رسمی اعمال

سانسور از سوی دولت بود.

وزارت انطباعات، به رغم این گونه جنبه های منفی، در تألیف، ترجمه، ویرایش و چاپ و نشر آثار به طور اعم، و انتشارات موافق سیاست دولتی به طور اخص، تأثیر گسترده گذاشت. این نهاد با مرگ اعتمادالسلطنه در ۱۳۱۳ ق و کشته شدن ناصرالدین شاه در همان سال، پشتوانه هایش را از دست داد، و به تدریج فعالیت هایش گُند و گُندتر و پس از چند سال متوقف شد. مظفرالدین شاه (سال های حکومت: ۱۳۱۳ - ۱۳۲۴ ق) نه علاقه های پدرش را به ترجمه و نشر آثار داشت و نه قابلیت های او را در نظارت و اداره امور دولتی. محمد باقر ادیب الممالک، برادرزاده اعتمادالسلطنه، جانشین او در وزارت انطباعات شد، اما منشأ تأثیری در آن نهاد قرار نگرفت و جمع کارآمدی که در آن نهاد با تدبیرهای اعتمادالسلطنه شکل گرفته بود، از هم پاشید.^۱ این زوال، با فعالیت هایی مقارن شد که در جبهه مخالف حکومت در حال رشد و گسترش بود.

دگراندیشان و نشر بیرون از نظارت دولت

از اطلاعات پراکنده درباره چاپ در عصر ناصری این طور برمی آید که در آن دوره بیش از چهل چاپخانه در سراسر کشور دایر بوده و فقط پنج چاپخانه با مدیریت دولتی اداره می شده است. دستگاه ها و روش های چاپ این چاپخانه ها عمدتاً سنگی و شمار اندکی هم سربی بوده است.^۲ چاپخانه ها عمدتاً در تبریز، شماری در تهران و تعدادی هم در سایر شهرستان ها فعال بوده اند. این مراکز طبع با نام های مختلف، از جمله: «باسمه / باصمه / بسمه خانه»، «مطبع / مطبعه»، «طبع خانه»، «کارخانه»، «دارالطباع / دارالطباعه / دارالطبع / دارالانطباع»، «چاپخانه» و گاه با اسمی دیگر نام گذاری می شدند. بر کتاب های فارسی منتشر شده در شبه قاره هند در آن عصر، نام چاپخانه ها، که ناشر کتاب هم بودند، به صورت های «مطبع»، «مطبع لیتوگراف»، «پرنطینگ» و «پریس» ثبت شده است.^۳ در شماری از نواحی فارسی زبان، که اصول و فنون چاپ را از شبه قاره هند اقتباس کردند، برای مثال در برخی نقاط آسیای میانه، از نام گذاری هندی ها اقتباس می شد. از چاپخانه های دولتی در عصر ناصری می توان از دارالطباعه دولتی یا دارالطباعه

۱. افشار، ایرج: «نخستین شرکت ملی طبع کتاب»، در: مهدوی نامه (تهران، ۱۳۷۸ ش)، ص ۵۸.

۲. پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان (تهران، ۱۳۷۷ ش)، ج ۱، ص ۲۳ و ۱۲۰.

۳. «پرنطینگ» برابر Printing و «پریس» برابر Press در زبان انگلیسی، پس از رواج این زبان در هند. برای صورتی از چاپخانه های منتشرکننده آثار فارسی در شبه قاره هند، نک: نوشاهی، عارف، فهرست کتاب های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج بخش (اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۵ ش -).



● میرزا آقاخان کرمانی

۱۹۰

خاصه دولتی؛ دارالترجمه همایونی؛ مطبع دولت علیه؛ مطبعه دارالفنون؛ اداره انطباعات یاد کرد که در تهران دایر و فعال بودند. از چاپخانه‌های سنگی تبریز که نام آنها به عنوان طابع و ناشر شماری از آثار ثبت شده است، می‌توان از دارالطباعة مشهدی اسدآقا؛ دارالطباعة میرزا محمد تبریزی؛ دارالطباعة محمد بن مهدی؛ کارخانه حاجی ابراهیم تبریزی؛ کارخانه مشهدی حاجی آقا؛ کارخانه مشهدی الله‌وردی؛ چاپخانه آقا میرزا کتابفروش؛ چاپخانه سعادت برای نمونه یاد کرد.^۱ همان طور که پیش‌تر اشاره شد، مبلغان مسیحی در شهرهای مختلف، از جمله در ارومیه، چاپخانه‌های اختصاصی برای چاپ و نشر آثار مربوط به خود داشتند. در اواخر دوره حکومت ناصرالدین شاه که فعالیت‌های آزادی‌خواهانه آغاز شد و انجمن‌های سرّی مبارزان ضد حکومت خودکامه فعال و تکثیر شدند، نوعی روش چاپ عملی و ساده به نام چاپ ژلاتینی رواج یافت که

۱. برای صورت مفصلی از نام چاپخانه‌های سنگی و سربی تهران و تبریز، نک: هاشمیان، هادی (گردآوری)، فهرست کتاب‌های چاپ سنگی و سربی کتابخانه تربیت تبریز (تهران، ۱۳۸۶ ش)، ص ۷۱۵ - ۷۳۰ برای صورتی از چاپخانه‌های تبریز از دوره عباس میرزا تا جنگ جهانی دوم، نک: «پادداشت‌های فرهنگی محمد علی زینی در تبریز»، تعلیقه و حواشی از هادی هاشمیان، پیام بهارستان، دوره ۲، سال ۱، ش ۳ (بهار ۱۳۸۸)، ص ۸۳۲ - ۸۳۳. نظر و اطلاع شخصی محمد علی زینی در مواردی با روایت‌های دیگر درباره تاریخ چاپ و چاپخانه در تبریز، تفاوت‌هایی دارد.



پروژه کتابخانه و مطابقت فرسنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

● از کتابفروشی‌های تهران در دوران احمدشاه قاجار (عکس از مجموعه محمدعلی کریم‌زاده تبریزی)

برای تکثیر شب‌نامه‌ها و اعلامیه‌های سیاسی از آنها استفاده می‌شد. این روش بعدها جای خود را به روش تکثیر استنسیلی داد.^۱ بر پایه اطلاعات موجود، گویا نخستین گروه سازمان‌یافته سَرّی عصر ناصری که جزوه‌های مخفی و اعلان‌های ضدحکومتی پخش می‌کرد، بابی‌ها بودند.^۲ در آن دوره به هر گونه نوشته تکثیر شده مخفی اصطلاحاً «شب‌نامه» می‌گفتند. شب‌نامه‌های تکثیر شده به شیوه چاپ ژلاتینی، بخش مهم از ادبیات سیاسی عصر قاجار و شاخه‌ای مهم از فعالیت انتشاراتی است که سرشت سیاسی و پنهان آن، بسیاری از جنبه‌های درخور توجه آن و جاذب برای بررسی را مکتوم نگاه داشته است. چاپ و نشر مخفی در انقلاب مشروطه ایران و رویدادهای پس از آن وسعت بسیار گرفت و تأثیرهای نگرشی و انگیزشی آن تداوم یافت و به سستی نهان به‌ویژه در میان شماری از گروه‌های سیاسی تبدیل، و در دوره‌های مختلف بحران و برخوردهای سیاسی، که تا انقلاب ۱۳۵۷ ش ادامه یافت، ظاهر و تأثیرگذار شد. چاپخشی مخفی با ساز و کارهای ویژه‌اش، گاه تنها ابزار اشاعه دیدگاه‌ها و تحلیل‌های دگراندیشان بود.

در عصر ناصری، جدا از سیاست‌های حکومتی، و گاه حتی در تعارض و در تقابل مستقیم با آنها، دگراندیشان راه تغییر و اصلاح امور را از چند مجرا، از جمله ترجمه آثار فرنگی و نشر آنها دنبال می‌کردند. حتی در مواردی به نظر می‌رسد که از دیدگاه بعضی دگراندیشان، ترجمه و نشر آثار، مؤثرترین وسیله تغییر اوضاع بوده است. دگراندیشان قاجاری به سان همه دگراندیشان در همه جوامع، ناگزیر بودند گفتمان‌های دیگری را جانشین گفتمان‌های متداول کنند. این جابه‌جایی، نه تنها روش‌ها، نگرش‌ها و تحلیل‌ها را تغییر می‌داد، بلکه در زبان و بیان هم تأثیر می‌گذاشت. هر اندیشه تازه و اصیلی به واژگان و اصطلاحات و تعبیرهای تازه و به شیوه بیان تازه نیاز دارد. اگر نشر فارسی جدید، به‌رغم پیش‌گام شدن دولت و شماری از دولتمردان قاجاری در وارد کردن جنبه‌هایی از مدرنیته، نه از انتشارات دولتی، بلکه از انتشارات دگراندیشان تأثیر گرفته است، علتش همین است. اگر نشر قائم‌مقام از سرچشمه‌های تحول در نشر جدید فارسی است، علتش در آمیختگی اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه و نوآورانه با صورتی از بیان بود که برای تأثیرگذاری، قالب‌های متداول را فرسوده و بی‌رُمق می‌دانست. نگاه تازه، راه تازه می‌جست و تحول نشر فارسی از نگاه‌های تازه و تغییر گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی و فرهنگی آغاز شد.

۱. پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان...، همان جا.

۲. قاسمی، سید فرید، سرگذشت مطبوعات ایران، ج ۱، ص ۴۶۰.



● میرزا ملکم خان (ناظم الدوله)

میرزا ملکم خان ناظم الدوله (۱۲۴۹ - ۱۳۲۶ ق) از ارمنیان جلفای اصفهان و تحصیل کرده فرانسه که حدود ده سال از عمر خود را در عثمانی سپری کرده و با تنظیمات (جنبش اصلاح طلبی عثمانی) از نزدیک آشنا شده بود، زمانی که به ایران بازگشت و وظیفه ترجمه مکاتبات دولتی را به عهده گرفت، رویکرد دیگری به ترجمه داشت. او دقت تازه‌ای را در انتخاب و کاربرد واژگان اعمال می‌کرد و توان زبان فارسی را در بیان تعبیرهای جدید سیاسی و اجتماعی سراغ می‌گرفت. محمد تقی بهار (ملک الشعرا) در سبک‌شناسی مجموعه ویژگی‌های نثری میرزا ملکم خان را «مکتب ملکم» نام‌گذاری کرده است.^۱ شاید امروزه به نظر برسد که در این نام‌گذاری قدری غلو شده باشد و نثر ملکم به درجه‌ای نرسیده بود که عنوان «مکتب» (مکتبی در نثرنویسی) برازنده آن باشد. شاید این داوری ما با توجه به تحولاتی است که از روزگار ملکم تا روزگار ما رخ داده است. بهار، نثر ملکم را با نثر پیشینیان و با نثر رایج زمان او می‌سنجید و تغییرات نثر او را به اندازه‌ای می‌دید که سزاوار می‌دانست «مکتب ملکم» را در وصف ویژگی‌های نثر او به کار گیرد. ملکم نثر نوپدیدش را، که بارزترین ویژگی آن ساده‌نویسی و دور ریختن حشو زبانی بود، در خدمت ترویج اندیشه‌های ضد استبدادی و

۱. بهار، محمد تقی (ملک الشعرا)، سبک‌شناسی (تهران، ۱۳۵۵)، ج ۳، ص ۳۷۴.

آزادی خواهانه و ترجمه های تأمل برانگیز به خدمت گرفت و به یکی از سرچشمه های تأثیرگذار در تحول نثر فارسی جدید تبدیل شد.^۱

میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی (۱۲۵۰ - ۱۳۲۹ ق)، دگراندیش دیگر و ترویج گر علوم طبیعی و اندیشه های سیاسی و اجتماعی جدید با زبانی مفهوم و ساده، و مترجم چند اثر از روسی به فارسی، محتواهای تازه ای را به نشر ایران راه داد و بر روند دگراندیشی و تحولات تأثیر گذاشت.^۲

میرزا یوسف خان مستشارالدوله (درگذشته ۱۳۱۳ ق) از دولتمردانی بود که بعداً مغضوب شاه و حکومت گران خودکامه شد. رساله یک کلمه، اثر معروف او، که بیانیۀ آزادی خواهی و مشروطه طلبی قلمداد شده است، اقتباسی از قانون اساسی فرانسه است که با مبانی شرعی اسلامی سازگار شده است. این رساله او تأثیر عمیقی در محافل آزادی خواهان گذاشت و خودکامگان را چنان به خشم آورد که گفته اند در زندان، آن رساله را آن قدر بر سر مستشارالدوله کوبیدند که چشمانش آب آورد. چندی بعد هم او در فقر و تنگدستی درگذشت. انتشار رساله یک کلمه از دیدگاه تاریخ نشر در ایران از چند حیث درخور بررسی است. این رساله به انجمن های سَرّی مشروطه خواهان راه یافت، به راه نمایی سیاسی تبدیل شد که راهبرد عمومی جنبش را نشان می داد. فعالان انجمن های سَرّی مفاهیم آن را در میان مردم تبلیغ، و خفتگان را به یاری بیان مؤثر آن بیدار می کردند. تأثیرهای انتشار و ترویج این رساله به اینها محدود نشد، بلکه بعدها در تدوین قانون اساسی مشروطه و تأسیس دادگستری جدید به کوشش وزیر اصلاح طلب و ترقی خواه، علی اکبر داور، و حتی در تدوین «نقشه اقتصادی» (طرح و برنامه) در برنامه های نوسازی در دوره پهلوی اول، یا الهام بخش یا مستقیم و غیر مستقیم تأثیرگذار بود.^۳ رساله یک کلمه به تنهایی، پدیده ای است که از منظر تأثیرهای گسترده اثری اندیشه برانگیز در جامعه ای استبدادی، جنبه های درس آموز دارد. انتشار آثار تأثیرگذار به ایجاد راه های تازه ای می انجامد که جامعه مخاطب آن در واکنش های خود ابتکار می کند. قدرت نشر و راه های نفوذ آن را در جامعه، و تأثیرگذاری بر لایه های مختلف مخاطبان را از راه روند انتشار این گونه آثار، می توان به گونه محسوس تری پی گرفت.

۱. برای اطلاعات تفصیلی درباره ملکم: نک: نورائی، فرشته، تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله (تهران، ۱۳۵۲) برای تحلیل و نقد از دیدگاهی دیگر، نک: پارسى نژاد، ایرج، روشنگران ایرانی و نقد ادبی (تهران، ۱۳۸۰)، ص ۱۵۵ و بعد.

۲. نک: پارسى نژاد، همان، ص ۲۰۹ - ۲۲۳.

۳. نک: آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت (تهران، ۱۳۴۰)، ص ۱۸۲ - ۱۸۶ همو، اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سه سالار، ج ۲ (تهران، ۱۳۵۱)، ص ۱۰۵.

تأثیرگذارتر از این دو دگراندیش، آزادی‌خواه دیگری است با استعدادهایی شگفتی‌انگیز که عمر مفید او از بیم استبداد قاجاریان، خارج از ایران گذشت. میرزا حبیب اصفهانی (درگذشته ۱۳۱۱ ق)، مترجم خلاق حاجی بابای اصفهانی و سرگذشت ذیل بلاس و ترجمه منظوم گزارش مردم‌گریز که با دقت‌ورزی‌های چند تن از پژوهش‌گران حقوق ناشناخته و بدشناخته شده‌اش به او اعاده شد، در عصر ناصری از بیم جان به عثمانی گریخت و در استانبول اقامت کرد. او به ویژه از راه مطالعه شخصی و مشاهده، با تحولات جدید فرهنگی آشنا و با جدیت با چند زبان آشنا شد. میرزا حبیب توان آفرینش‌گرانه‌اش را در نثر ترجمه نشان داد و با ترجمه آزاد حاجی بابای اصفهانی از روی ترجمه فرانسوی آن به فارسی، حکایتی انتقادی و هجوآلود از اوضاع ایران در عصر فتحعلی‌شاه، که نویسنده انگلیسی آن، فقر و ادبار جامعه ایران را در آن دوره با قلمی مؤثر وصف کرده، و ضعف‌های گوناگون مردم، فساد دیوانیان، نیرنگ سیاست‌مداران، دیانت‌ریایی و اخلاق رو به انحطاط جامعه را با طنز و هزل و هجو بی‌محابا به سخره گرفته و از هیچ نیش و زخم و طعنه‌ای در حق طبقات ملت فروگذار نکرده است، ضربه‌ای تکان‌دهنده بر پیکر استبداد بر ایران وارد آورد. افزون بر تأثیرهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ترجمه فارسی حاجی بابای اصفهانی، نثر مترجم در این کتاب که از جمله شاهکارهای نثر دگراندیشان عصر قاجار و از شاهکارهای نثر فارسی به طور کلی و از سرچشمه‌های مؤثر بر تحول نثر جدید فارسی است، نمونه‌ای بدیع در ادبیات فارسی است که کاربرد زبان طنز و هزل و هجو در آن، و درآمیخته با هنر و ادب، با مقاصد سیاسی - اجتماعی به خوبی همراه شده است. در تاریخ نشر ایران کمتر اثری می‌توان یافت که در آن، چندین عامل، این سان هنرمندانه با هم جمع شده باشد، و در سیر تحولات بعدی حتی اگر جنبه‌هایی از دیدگاه جامعه دور یا کم‌اهمیت بماند، جنبه دیگری از آن برجسته‌تر و لاجرم تأثیرگذارتر می‌شود. ترجمه‌های میرزا حبیب اصفهانی، به‌ویژه ترجمه حاجی بابای اصفهانی، چند وجهی و چند ارزشی است و به همین دلیل جایگاه وجوه مختلف آثار او به مناسبت‌های مختلف تغییر می‌کند. جنبه‌ای از ترجمه میرزا حبیب اصفهانی که در دوره مبارزات مشروطه‌خواهی بیش‌تر در کانون توجه قرار می‌گرفت، به‌ویژه با ترجمه حاجی بابای اصفهانی، انتقادهایی بود به اوضاع و احوال زمان که مخالفان وضع موجود و دگراندیشان بر آن تأکید داشتند. انتشار کتاب از منظر تاریخ نشر، به‌ویژه از این نظر هم شایسته بررسی است که اثری می‌تواند در دوره‌های مختلف، مخاطبان و کاربردهای متفاوتی داشته باشد. بحث درباره میرزا حبیب اصفهانی و آثار و

کارهای او بحشی است دایر و پژوهش‌های بیشتر در این باره به طور قطع به یافته‌های تازه‌تری خواهد انجامید.^۱

میرزا جعفر قراجه داغی (زاده ۱۲۵۰ ق)، از پرکارترین مترجمان عصر قاجار، به‌ویژه در زمینه ترجمه نمایشنامه، که ترجمه‌هایش ضد خرافه‌پرستی، ضد جهل، انتقاد از اوضاع و احوال اجتماعی، و در عین حال مضمون آنها عمدتاً کم‌دی بود، مسیر تازه‌ای را در نشر آثار گشود. عصر مشروطه در ایران از میان گونه‌های ادبی، از گونه نمایشنامه بیشتر استقبال می‌کرد و نمایش تئاتری بر مخاطبان، تأثیری به مراتب بیش از گونه‌های دیگر ادبی داشت. ترجمه‌های میرزا جعفر در زمان خود، خوانندگان بیشتری به سوی خود جلب کرد، اما گستره تأثیر نشر آثار او را در قلمرو نمایش باید دنبال کرد.^۲

میرزا آقاخان کرمانی (۱۲۷۰ - ۱۳۱۴ ق)، نویسنده، شاعر، منتقد اجتماعی، مترجم و اندیش‌مند، در ۱۳۰۳ ق از کرمان به استانبول رفت و در آنجا چند زبان آموخت و با اندیشه‌های جدید آشنا شد. گویا چند سالی هم در خانه میرزا حبیب اصفهانی ساکن بود و با او همکاری داشت. به نظر می‌رسد که میرزا آقاخان ترجمه‌های میرزا حبیب را به اصطلاح امروز ویرایش می‌کرده است. میرزا آقاخان دگراندیشی پرمایه، چند وجهی، پیشگام، جسور، نوآور و تأثیرگذار بود و از مصداق‌های بارز پدیدآورندگانی که نشر با آثار آنها چرخش می‌کند و تغییر جهت می‌دهد. میرزا آقاخان انتظار داشت که اندیشه‌ها از راه ترجمه‌ها در تحول جامعه تأثیر بگذارد، و با این چشم داشت بود که سراغ آثار می‌رفت و آنها را برای ترجمه برمی‌گزید.^۳ او با عشق و مایه جان کار می‌کرد و همراه با

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره میرزا حبیب و ترجمه او و منابع در این باره، نک: مقاله‌های «حاجی بابای اصفهانی» و «حبیب اصفهانی، میرزا»، در: دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۲ (تهران، ۱۳۸۷)؛ نیز نک: میرزا حبیب دستان بنی در آینه پژوهش، به کوشش حبیب‌الله توفیقی و بابک زمانی‌پور (شهرکرد، ۱۳۷۹). «دستان» تخلص شاعرانه و پند نام زادگاه میرزا حبیب است، روستایی نزدیک شهرکرد که اکنون به شهر تبدیل شده و تندیس میرزا حبیب در میدان ورودی آن قرار داده شده است. این کتاب، مجموعه مقالاتی است که به مناسبت مراسمی در ستایش میرزا حبیب برگزار شده است. تغییر دادن نام میرزا حبیب و آوردن نامی ساختگی، بدون پشتوانه تاریخی و ادبی، با اعتراض‌هایی، از جمله با اعتراض ایرج افشار روبه‌رو شد. با این حال، این کتاب حاوی برخی نکات مهم و خواندنی درباره میرزا حبیب اصفهانی است.

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره قراجه‌داغی، نک: ملک‌پور، جمشید، ادبیات نمایشی در ایران (تهران، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۳۰۶-۳۰۹. چاپ دوم این کتاب در ۳ جلد در ۱۳۸۵ منتشر شده است؛ نیز نک: مؤمنی، باقر، «آخوندزاده و نمایشنامه»، [مقدمه بر] آخوندزاده، فتحعلی، تمثیلات، ترجمه میرزا جعفر قراجه‌داغی (تهران، ۱۳۴۹)، ص ۱۳-۴۲.

۳. آدمیت، فریدون، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی (تهران، ۱۳۷۵ ش)، ص ۱-۶۸، ۲۲۲؛ نیز نک: نصری، عبدالله، رویارویی با تجدید (تهران، ۱۳۸۶)، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۲۹.

مترجمان دیگری چون میرزا حبیب، به دور از نظارت دولتی و بی بهره از یارانه‌های حکومتی، در پی مخاطبانی بودند که تغییر و تحول بخواهند. کوشش‌هایی که به کار می‌بستند، اندیشه‌های تازه‌ای که معرفی می‌کردند، زبان دیگری که به کار می‌گرفتند، و برخورد دیگری که با مخاطبان کتابخوان داشتند، در خواستاران تجدید و تحول اثر می‌گذاشت. و پی آمده‌های این تأثیرها را در زمینه‌های مختلف می‌توان دید.

(مطلب ادامه دارد)

تهران - تابستان ۱۳۸۸

نشر مروارید منتشر کرد :

- پشت صحنه‌ آبی / گفتگو با اکبر رادی / مهدی مظفری ساوجی
- آوای مهر آیین / زندگی، اندیشه و آثار مشکاتیان / مهران حبیبی‌نژاد
- گفتگو با نجف دریابندری / مهدی مظفری ساوجی
- تروریست خوب / دوریس لسینگ / الهه مرعشی
- آخرین سخنرانی / رندی پاش / دکتر مرجان متقی

تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران

تلفن : ۸۸۲۷۵۲۲۱ - ۶۶۴۶۷۸۴۸